

بیماری هلندی و ضرورت استفاده درست از درآمدهای نفتی

تاریخ دریافت: ۱۳۸۸/۱/۲۰

تاریخ تأیید: ۱۳۸۸/۲/۲۵

محمد خضری*

چکیده

این مقاله در بخش نخست به بررسی ماهیت و چرایی پدیده بیماری هلندی و نشانه‌های آن در اقتصاد ایران می‌پردازد. بخش دوم نیز راهبردهای ممکن در مدیریت درآمدهای نفتی را در دستور کار قرار می‌دهد. تبعات منفی رونق منابع طبیعی (از جمله نفت) موضوع بحث بیماری هلندی است. تشخیص ظهور و بروز بیماری هلندی در اقتصاد کار ساده‌ای نیست. با این حال، شاخص‌هایی همچون تقویت پول ملی و افزایش نرخ ارز، افزایش قیمت کالاهای غیرقابل مبادله، افزایش واردات، کاهش سهم ارزش افزوده بخش‌های صنعت و کشاورزی از تولید ناخالص داخلی و جز اینها، از جمله مواردی هستند که اقتصاددانان به عنوان نشانه‌های بیماری هلندی در اقتصاد ذکر می‌کنند.

کلیدواژه‌ها: بیماری هلندی، درآمدهای نفتی، رونق منابع طبیعی، نرخ ارز

* دکترای اقتصاد از دانشگاه اصفهان، استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب

فصلنامه مطالعات راهبردی • سال دوازدهم • شماره چهارم • زمستان ۱۳۸۸ • شماره مسلسل ۴۶

مقدمه

نحوه استفاده از عواید حاصل از منابع طبیعی، از جمله نفت، همواره مورد توجه سیاستمداران، متخصصان اقتصادی و سیاسی و نیز گروههای مختلف اجتماعی بوده است. عملکرد کشورهای مختلف برخوردار از منابع طبیعی، نشان می‌دهد این ثروت بادآورده می‌تواند هم آفریننده و هم مخرب باشد. برای مثال، ثروت حاصل از فروش نفت خام برای کشور توسعه‌یافته‌ای همچون نروژ به مثابه موهبت و نعمت عمل کرده و به شکوفایی اقتصادی و افزایش رفاه ساکنان این کشور کمک کرده است. در عوض، این ثروت در کشورهای کمتر توسعه‌یافته‌ای از قبیل نیجریه، عراق، ونزوئلا، آرژانتین و جز اینها، به مثابه نوعی بلا عمل کرده و عملکرد اقتصادی و سیاسی آنها را تحلیل برده است. (۱)

ساکس و وارنر نشان داده‌اند اقتصادهایی که در سال ۱۹۷۰ نسبت صادرات منابع طبیعی‌شان به تولید ناخالص داخلی بالا بوده است، رشد اقتصادی پایین‌تری را در خلال سال‌های ۱۹۹۰ - ۱۹۷۰ تجربه کرده‌اند. (۲) در طول سی سال گذشته، کشورهای به لحاظ منابع طبیعی غنی نظیر مکزیک، نیجریه و ونزوئلا، عملکرد اقتصادی به مراتب ضعیف‌تری از کشورهای تازه صنعتی‌شده کره جنوبی، تایوان، هنگ کنگ و سنگاپور (که به لحاظ منابع طبیعی فقیرند) داشته‌اند. (۳) میشل راس استدلال می‌کند که دولت‌های بهره‌مند از ذخایر غنی منابع طبیعی، تمایل کمتری به استقرار نهادهای دموکراتیک و حرکت به سوی حکمرانی خوب دارند. (۴)

در ایران نیز بسیاری از صاحب‌نظران اقتصادی و سیاسی بر این باورند که ثروت نفت عملکرد اقتصادی کشور را تحلیل برده و اثر سوئی بر ساختار سیاست در کشور داشته است، به گونه‌ای که برخی چنان راه اغراق را می‌پیمایند که از ثروت نفت در کشور به مثابه بلا و نفرین یاد می‌کنند؛ به این مفهوم که نحوه استفاده از ثروت نفت در کشور به گونه‌ای بوده است که نتایج رفاهی و توسعه‌ای مورد انتظار از آن را به بار نیاورده است، چنان‌که گویی اقتصاد کشور به بیماری هلندی گرفتار شده است.

در این مقاله، کوشش می‌شود ضمن تبیین چیستی بیماری (یا عارضه) هلندی و شناسه‌های آن در اقتصاد، برخی از نشانه‌های آن در اقتصاد ایران شناسایی و تحلیل شود. سپس برخی

راهکارهایی که می‌تواند به تعدیل یا حذف بیماری هلندی در کشور کمک کنند، ارائه شوند. این راهکارها در واقع، همان شیوه‌ها و قواعد مناسب استفاده از درآمدهای نفتی هستند.

الف. ماهیت و چیستی بیماری هلندی

اصطلاح بیماری هلندی برای اولین بار در مجله اکونومیست لندن در نوامبر ۱۹۷۷ پدیدار شد و در واقع عنوان مقاله‌ای بود که در آن تأثیر درآمدهای ارزی حاصل از کشف و صادرات گاز طبیعی در دریای شمال (محدوده متعلق به هلند) بر اقتصاد این کشور بررسی شده است. (۵) به دنبال کشف گاز طبیعی در هلند، این کشور که واردکننده سستی گاز بود به صادرکننده آن تبدیل و در نتیجه، عواید ارزی خارجی هنگامی نصیب کشور مزبور شد. با این حال، متعاقب این رخداد، قیمت‌ها (به ویژه در بخش کالاهای غیرقابل تجارت) و نرخ ارز واقعی افزایش پیدا کرد. در نتیجه، تولیدکنندگان و صادرکنندگان هلندی قدرت رقابت‌پذیری و سهم‌شان از بازار جهانی را از دست دادند و رشد اقتصادی در این کشور، به شدت کاهش یافت. (۶)

بنابراین، بیماری هلندی به وضعیتی اطلاق می‌شود که در آن به دنبال کشف یک منبع طبیعی همچون نفت و در نتیجه افزایش عواید ارزی حاصل از آن، نرخ ارز واقعی افزایش و عملکرد صادرات آن کشور کاهش می‌یابد. (۷) کم و کیف بیماری هلندی و تبعات آن بر عملکرد اقتصادی و سیاسی کشورها به ساختار اقتصاد، کیفیت و ساختار حکومت و نیز کیفیت نهادها بستگی دارد. عملکرد کشورهای غنی از نظر منابع طبیعی نشان داده است اقتصادهای آنها به طور متوسط آهسته‌تر از اقتصادهایی رشد کرده است که از نظر منابع طبیعی فقیر بوده‌اند. برای مثال، کشورهای هم‌چون ایران، نیجریه، ونزوئلا، آنگولا و اکوادور (که از نظر منابع طبیعی ثروتمندند)، در چند دهه اخیر، عملکرد ضعیفی را تجربه کرده‌اند، در حالی که کشورهای آسیایی که از نظر منابع طبیعی فقیرتر بوده‌اند، از رشد سریع اقتصادی برخوردار شده‌اند. (۸)

مک ماهان نتایج هشت مطالعه مختلف در مورد کشورهای در حال توسعه را بررسی می‌کند و نتیجه می‌گیرد که بیماری هلندی به واسطه واکنش‌های سیاستی نامناسب و ناکافی به

رونق‌های منابع طبیعی ایجاد می‌شود و سرنوشت محتوم کشورهای برخوردار از آن نیست. (۹) کشور نروژ نشان داده است که در صورت اتخاذ سیاست‌های مناسب اقتصادی (از جمله سیاست‌های پولی) و نیز داشتن حکمرانی خوب می‌توان از وقوع عارضه هلندی جلوگیری کرد. (۱۰) نکته لازم به ذکر آنکه، بیماری هلندی پدیده‌ای صرفاً مختص به رونق منابع طبیعی نیست، بلکه می‌تواند در نتیجه کمک‌های خارجی^۱ و غیره نیز ایجاد شود. (۱۱)

ب. نشانه‌های بیماری هلندی

تشخیص بیماری هلندی در اقتصاد کشورها به سادگی امکان‌پذیر نیست. در واقع، اثبات این نکته که بیماری هلندی در اقتصاد وجود دارد یا این عارضه حادث نشده است، کار ساده‌ای نیست. در موارد متعدد، دیده شده است که یک یا چند محقق اعلام می‌کنند که به استناد برخی مدارک، عارضه هلندی در اقتصادی رخ داده و دیگران نیز به استناد مدارک دیگر اعلام می‌دارند که این عارضه رخ نداده است. (۱۲) برای شناسایی بیماری هلندی نه تنها باید اثبات شود که نشانه‌های بیماری وجود دارد، بلکه باید نشان داده شود که این نشانه‌ها توسط بیماری هلندی به وجود آمده‌اند نه عوامل دیگر. برای مثال، افزایش اندازه بخش خدمات (به عنوان یکی از نشانه‌های این پدیده) می‌تواند ناشی از پدیده گذار طبیعی اقتصاد مثلاً به مرحله فراصنعتی باشد و یا آنکه افزایش نرخ واقعی ارز (به مثابه نشانه دیگر بیماری هلندی) ممکن است در نتیجه تغییر در مصرف دولت یا تغییر در خالص ذخایر خارجی، تفاوت بهره‌وری یا فساد مالی بوده باشد. (۱۳) با این حال، اقتصاددانان و متخصصان امر برای پی‌بردن به ظهور و بروز بیماری هلندی در اقتصاد و نیز انتقاد از عملکرد دولت‌ها در خصوص نحوه مصرف درآمدهای حاصل از صادرات منابع طبیعی، از شاخص‌ها و نشانه‌هایی استفاده می‌کنند که عمده‌ترین آنها شامل این موارد است: ۱) تقویت پول ملی و افزایش نرخ ارز واقعی، ۲) رونق بخش خدمات، ۳) افزایش قیمت کالاهای غیرقابل مبادله (همچون زمین، مسکن و خدمات)، ۴) کاهش نسبت صادرات کالاهای غیرنفتی (به ویژه کالاهای صنعتی) به تولید ناخالص

داخلی، ۵) افزایش واردات (به ویژه کالاهای مصرفی) و ۶) کاهش سهم ارزش ارزش افزوده بخش‌های صنعت و کشاورزی از تولید ناخالص داخلی.

بنابراین، موقعی که به دنبال رونق منابع طبیعی (به ویژه رونق نفتی) نشانه‌های مذکور در اقتصاد ظاهر شود، می‌گوییم اقتصاد مزبور به عارضه یا بیماری هلندی دچار شده است، هرچند ممکن است بخشی از این اتفاقات ناشی از عوامل دیگر بوده باشد. چه بسا خود این عوامل نیز در پی رونق نفتی به وجود آمده باشند.

ج. آثار بیماری هلندی بر عملکرد اقتصاد

رونق نفتی و به طور کلی رونق در بخش منابع طبیعی صادراتی از چند طریق عملکرد اقتصادهای برخوردار از منابع طبیعی را متأثر می‌سازد که عمده‌ترین آنها عبارتند از: ۱) تحریک رفتارهای رانت‌جویانه و فساد اقتصادی، ۲) تضعیف حکمرانی و حاکمیت خوب، ۳) اثر جابه‌جایی منابع تولید^۱ و ۴) اثر مخارج^۲. در این مقاله و در ادامه بحث، موارد سوم و چهارم توضیح داده می‌شود و بحث راجع به مورد اول و دوم را به فرصت دیگری واگذار می‌کنیم.

مرسوم آن است که برای بررسی تأثیر بیماری هلندی بر عملکرد اقتصاد، کل اقتصاد را به سه بخش کلی تقسیم می‌کنند که عبارتند از: الف) بخش منابع طبیعی (مانند نفت)، ب) بخش کالاهای قابل تجارت (مانند صنعت و کشاورزی) و ج) بخش کالاهای و خدمات غیرقابل تجارت (مانند ساختمان، حمل و نقل، خدمات و جز اینها). در طرف عرضه اقتصاد، موقعی که ارزش کالاهای و تولیدات در بخش منابع طبیعی به طور برونزا افزایش می‌یابد، تولید نهایی نیروی کار در آن بخش افزایش می‌یابد و این کار موجب می‌شود نیروی کار از تمامی بخش‌های دیگر اقتصاد به این بخش رونق‌یافته حرکت کنند. این امر به نوبه خود به کاهش استفاده از عوامل تولید در بخش قابل تجارت و در نتیجه، انقباض آن می‌انجامد. این اثر به منزله جابه‌جایی منابع شناخته شده است. (۱۴)

1 . the resource movement effect

2. the spending effect

در طرف تقاضا، رونق در بخش منابع طبیعی موجب افزایش درآمد در داخل کشور مفروض و بنابراین، افزایش تقاضا برای همه کالاها خواهد شد. چون قیمت کالاهای قابل تجارت متأثر از قیمت‌های جهانی است و چه بسا در بازار جهانی تعیین می‌شود، این اضافه تقاضا و به تبع آن اضافه مخارج، قیمت‌های نسبی کالاهای غیرقابل تجارت را افزایش می‌دهد و در نتیجه، نرخ ارز واقعی افزایش می‌یابد. در واکنش به این پیامد، عوامل تولید متحرک از بخش کالاهای قابل مبادله به بخش کالاها و خدمات غیرقابل مبادله جا به جا می‌شوند. این اثر به اثر مخارج یا هزینه شناخته شده است. (۱۵)

افزایش نرخ واقعی ارز، به عنوان یکی از نشانه‌های بیماری هلندی، رقابت‌پذیری تولیدات داخلی قابل صادرات را کاهش می‌دهد و به انبساط واردات و انقباض صادرات و در نتیجه، از مزیت افتادن تولید در بخش‌های قابل تجارت می‌انجامد. علت آن است که صادرکنندگان محصولاتشان را به قیمت‌های جهانی می‌فروشند و دریافتی‌هایشان به دلار است، اما در عوض، هزینه‌های تولیدشان به پول داخلی انجام می‌شود. از این رو، افزایش قیمت کالاهای غیرقابل تجارت در داخل کشور مفروض، سودآوری صادرات را کاهش می‌دهد و به تبع آن از توان پرداختی بنگاههایی که به امر صادرات می‌پردازند (و به طور کلی بنگاههایی که در بخش کالاهای قابل تجارت فعالیت می‌کنند) به عوامل تولید می‌کاهد. در نتیجه، اشتغال و تولید در این قبیل فعالیت‌ها در قیاس با بخش‌های غیرقابل مبادله از مزیت می‌افتد. از طرف دیگر، بنگاههایی که فعالیت‌شان معطوف به عرضه کالاها در بازار داخلی است، به این نتیجه می‌رسند که اگر به جای تولید به امر واردات کالاها بپردازند، مقرون به صرفه‌تر خواهد بود. به این ترتیب، تولید و اشتغال در بخش کالاهای قابل تجارت دچار رکود می‌شود.

نکته‌ای که در اینجا لازم به یادآوری است اینکه، موقعی که بهره‌وری، تولید و درآمد کشور مفروضی نسبت به بقیه دنیا افزایش می‌یابد، قیمت نسبی کالاها و خدمات غیرقابل تجارت آن کشور نسبت به قیمت کالاهای قابل مبادله‌اش (یعنی نرخ ارز واقعی) زیاد می‌شود. چون این افزایش نرخ ارز واقعی، حاصل و پیامد منطقی افزایش بهره‌وری و تولید درآمد است، شهروندان نیز در وضعیت رفاهی بهتری قرار می‌گیرند و بیشتر مصرف می‌کنند، (۱۶) اما در مورد بیماری هلندی، قبل از آنکه بهره‌وری و تولید در کل اقتصاد افزایش یابد، نرخ ارز واقعی

افزایش می‌یابد. به عبارت دیگر، ثروت منابع طبیعی موجب می‌شود مصرف و سرمایه‌گذاری کلان به سطحی بالاتر از توان و ظرفیت اقتصادی کشور مفروض افزایش پیدا کند؛ به این مفهوم که افزایش نرخ ارز واقعی، ارتباطی به بهره‌وری و توان تولیدی اقتصاد ندارد. یکی دیگر از پیامدهای بیماری هلندی، عقب‌گرد صنعتی^۱ و عقب‌گرد کشاورزی^۲ است. در واقع، در پی کاهش درآمدهای منابع طبیعی (مثلاً به دلیل تنزل بهای نفت)، دولت‌ها در کشورهای در حال توسعه برخوردار از منابع طبیعی، از حجم یارانه‌ها و دامنه اقدامات حمایتی خود کم می‌کنند و در نتیجه، تولیدکنندگان داخلی کشور مفروض در شرایط ضعف و رنجوری به رقابت دشوارتر در بازار جهانی کشانده می‌شوند. نتیجه این امر، ورشکستگی و تعطیلی صنایع و از مزیت افتادن فعالیت‌های کشاورزی خواهد بود. (۱۷)

د. بیماری هلندی در اقتصاد ایران

همان‌گونه که خاطر نشان شد، بیماری هلندی بیشتر در کشورهای غنی از نظر منابع طبیعی ولی ضعیف به لحاظ ساختارها و نهادها اتفاق می‌افتد. بنابراین، انتظار این است که ایران که از منبع طبیعی نفت به وفور بهره‌مند است و در عین حال، محدودیت‌های سفت و سختی بر نحوه استفاده از درآمدهای نفتی اعمال نمی‌شود^۳، بیشتر در معرض بیماری هلندی قرار داشته باشد. صاحب‌نظران اقتصادی در کشور بر این باورند که عوارض بیماری هلندی در ایران از همان ابتدای شروع صادرات نفت در اقتصاد بروز کرد، به گونه‌ای که تقریباً عمده فعالیت‌های سنتی،

1 . deindustrialization

2 . deagriculturalization

۳. در ایران همواره بخش زیادی از دلارهای نفتی صرف مخارج دولت شده است. در بودجه ۱۳۸۷ حدود ۶۷/۴ درصد درآمدهای عمومی دولت از محل درآمدهای نفتی تأمین شده است. همچنین، پیش‌بینی‌های مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی حاکی از آن است که عملکرد این شاخص در سال ۱۳۸۸ معادل ۵۸/۴ درصد خواهد بود. هرچند از سال ۱۳۸۳، حساب ذخیره‌ای ارزی برای مدیریت درست بخشی از دلارهای نفتی تشکیل شد، اما دولت به شیوه‌های مختلفی (تقدیم متمم بودجه به مجلس و غیره) از این حساب برداشت کرده است. در واقع، این حساب به میزان زیادی از کارویژه‌های اصلی‌اش فاصله دارد و وجوه آن بیشتر صرف کسری‌های بودجه دولت، پرداخت یارانه‌ها و سرمایه‌گذاری‌های دولتی شده و در نهایت، با تزریق نقدینگی به اقتصاد، آن را دچار بی‌ثباتی کرده است.

صنعتی و تولیدی کشور، تحت تأثیر آن قرار گرفت و به تدریج دچار زوال و نابودی گردید. از جمله این فعالیت‌ها می‌توان صنعت منسوجات سنتی، صنعت کاشی سنتی، صنعت شیشه‌گری سنتی، صنعت خراطی چوب و صنعت فلزکاری سنتی را نام برد که یا به کلی از بین رفتند و یا به صورت صنایع دستی و تزئینی در مقیاس‌های بسیار کوچک، به حیات خود ادامه دادند. (۱۸)

مرور تاریخ اقتصاد ایران نشان می‌دهد همواره در پی رونق جهانی قیمت نفت و در نتیجه، افزایش درآمدهای ارزی حاصل از صدور نفت خام (که مستقیماً و به طور تمام و کمال در اختیار دولت است)، نشانه‌های بیماری هلندی پدیدار شده است. افزایش درآمدهای نفتی کشور در پی رونق قیمت نفت (از ۳ به ۱۰ دلار بین سال‌های ۷۴ - ۱۹۷۰ و در سال‌های بعد از ۱۹۸۰ که قیمت نفت به مرز ۴۰ دلار رسید) دولت‌های وقت را تحریک کرد اهداف جاه‌طلبانه‌ای را دنبال کنند و با افزایش هزینه‌های دولت و تزریق دلارهای نفتی به اقتصاد، موجبات نابسامانی در اقتصاد کشور فراهم شد. به عنوان مثال، پهلوی دوم اندیشه «تمدن بزرگ» را در سر می‌پروراند و با هزینه‌کردن دلارهای نفتی در مراکز حکومتی و شهرهای کشور، مهاجرت روستائیان به شهرها را تشویق و تحریک کرد. (۱۹) شواهد آماری نشان می‌دهند که دنبال رونق نفتی، روند مهاجرت روستائیان به شهرهای کشور تشدید شده است.^۱

همچنین، طی دوره ۸۵-۱۳۷۵ بخش صنعت و کشاورزی کمترین رشد تعداد شاغلین را در بین بخش‌های مولد داشته‌اند. (۲۰) افزون بر این، طی سال‌های ۸۵ - ۱۳۳۸، ضریب همبستگی بین نسبت ارزش افزوده بخش نفت و نسبت ارزش افزوده بخش‌های کشاورزی، معدن، صنعت و ساختمان، به ترتیب برابر ۰/۵۴-، ۰/۱۹-، ۰/۲۱- و ۰/۰۵+ بوده است که نشان

۱. شواهد آماری (سالنامه‌های مرکز آمار ایران در سال‌های مختلف) حاکی از آن است که طی ۵۰ سال گذشته، نرخ رشد جمعیت روستاها بجز مقطع ۶۵-۱۳۵۵ سیر نزولی داشته است. نرخ رشد سالانه جمعیت روستاهای کشور در دهه ۴۵ - ۱۳۳۵ حدود ۲/۰۹ درصد، در دهه ۵۵-۱۳۴۵ حدود ۱/۱۱ درصد، در دوره ۶۵-۱۳۵۵ معادل ۲/۲۷ درصد و در دوره ۷۵-۱۳۶۵ حدود ۰/۲۸ درصد و طی سالهای ۸۵ - ۱۳۷۵ معادل ۰/۴۴- درصد بوده است. همچنین، طی سال‌های ۸۵ - ۱۳۷۵، روستاهای خالی از سکنه به میزان ۱۰ درصد رشد یافته است. متوسط رشد سالانه جمعیت روستاهای کشور در سال ۱۳۸۵ در استان‌های اصفهان، مرکزی، تهران و همدان، به ترتیب معادل ۲/۷۸-، ۲/۳۱-، ۲/۰۷- و ۱/۸۱- درصد بوده است.

می‌دهد بیماری هلندی آثار مخرب خود را به ترتیب بر بخش‌های کشاورزی، صنعت و معدن داشته و باعث رونق بخش ساختمان شده است. (۲۱)

بررسی اصابت نرخ تورم بر بخش‌های مختلف اقتصاد نیز گویای بیماری هلندی در اقتصاد کشور است. به عنوان مثال، در فاصله سال‌های ۸۴ - ۱۳۷۸ نرخ متوسط تورم کشور ۱۳/۷ درصد بوده، در حالی که رقم این شاخص در بخش‌های خدمات و مسکن^۱ به ترتیب معادل ۱۸/۱ و ۱۷/۹ درصد در سال بوده است. این در حالی است که در این دوره، میانگین افزایش قیمت‌ها برای پوشاک و کالاهای مورد استفاده در منزل (کالاهای قابل تجارت و وارد شدنی) به ترتیب کمتر از ۷/۵ و ۱۰ درصد بوده است.^۲ (۲۲) افزون بر این، افزایش چشم‌گیر قیمت مسکن در تهران و شهرهای بزرگ طی سال‌های اخیر (متعاقب رونق جهانی قیمت نفت و در نتیجه افزایش درآمدهای ارزی نفتی و سپس تزریق این دلارهای نفتی به اقتصاد ایران از طریق بودجه عمومی)، نمونه آشکار حرکت نقدینگی به سمت بخش مسکن به انگیزه ذخیره ارزش است.

بررسی روند واردات کشور نیز نشان از وجود بیماری هلندی در اقتصاد دارد. طی دوره ۸۶ - ۱۳۷۸ همراه با افزایش قیمت نفت، واردات کشور از ۱۳/۴ میلیارد دلار به حدود ۶۰ میلیارد دلار در سال ۱۳۸۶ رسید که اگر واردات قاچاق کالا را نیز به حساب بیاوریم، رقم واردات حتی بیش از این هم خواهد شد. پیش‌بینی‌ها حاکی از آن است که رقم این شاخص در سال ۱۳۸۷ به حدود ۶۸/۵ میلیارد دلار بالغ خواهد شد. (۲۳)

همان‌طور که خاطر نشان شد، یکی از نشانه‌ها و پیامدهای بیماری هلندی، تحلیل رفتن صادرات غیرنفتی و از رونق افتادن بخش صنعت است. با این حال، آمارهای رسمی نشان از رونق صادرات غیرنفتی و همچنین رشد صنعت (هرچند با نرخ آهسته) دارند. در این خصوص، چند موضوع قابل تأمل وجود دارد. نخست، آنکه، در شرایطی که بر اثر تورم داخلی

۱. البته باید تاکید شود که نرخ تورم در بخش مسکن صرفاً به افزایش اجاره مسکن مربوط می‌شود و افزایش قیمت خرید مسکن (که دارایی محسوب می‌شود) در محاسبه شاخص تورم منظور نمی‌گردد.

۲. قیمت کالاهای غیرقابل مبادله نسبت به کالاهای قابل مبادله از ۰/۷۱ در سال ۱۳۷۹ به ۱/۰۷ در سال ۱۳۸۵ افزایش یافته است (جوادی، ۱۳۸۷)

و تثبیت نرخ ارز رسمی کالاهای کشور هر سال برای خارجی‌ها گران‌تر می‌شود، انتظار جهش صادراتی (از ۴/۶ میلیارد دلار در سال ۱۳۸۱ به حدود ۲۱ میلیارد دلار در سال ۱۳۸۶) به نظر غیرواقع‌بینانه می‌رسد.^۱ ملاحظه ترکیب صادرات غیرنفتی کشور بیانگر آن است که تقریباً نیمی از صادرات غیرنفتی کشور را مشتقات و میعانات گازی و محصولات پتروشیمی (بنگرید به جدول ۱) تشکیل می‌دهد که در واقع، منشاء نفتی دارند و قاعدتاً نمی‌توان آنها را در عداد صادرات غیرنفتی طبقه‌بندی کرد.

جدول ۱) صادرات غیرنفتی کشور
میلیون دلار

۱۳۸۷*	۱۳۸۶	۱۳۸۵	۱۳۸۴	۱۳۸۳	۱۳۸۲	
۴۳۲۷	۵۸۶۱	۴۸۶۲	۴۹۳	---	---	میعانات گازی
۶۵۶۰	۴۲۵۶	۲۴۶۳	۲۰۴۴	۱۵۲۴	۱۴۶۸	محصولات پتروشیمی
۸۸۳۳	۱۱۰۵۵	۱۰۵۳۴	۸۴۳۰	۵۳۲۳	۴۵۰۴	سایر کالاها

مأخذ: سایت گمرک ج.ا. ایران

نکته دیگر آنکه، بسیاری از صنایع کشور تحت تأثیر قیمت نفت قرار دارند و به موازات آن رشد می‌کنند. برای مثال، به دلیل پرداخت یارانه پنهان انرژی، صنایع انرژی بر کشور (از جمله فولاد، مس، سرب، روی و غیره) در زمان رونق‌های نفتی از دو جهت سود می‌برند. از یک سو یارانه بیشتری دریافت می‌دارند و از سوی دیگر، قیمت محصولات آنها به موازات افزایش بهای انرژی افزایش می‌یابد. به همین دلیل است که می‌بینیم در بخش صنعت کشور به موازات

۱. البته باید این نکته را مدنظر داشت که رشد صادرات غیرنفتی کشور از یک سو ناشی از جهش شدید بهای فرآورده‌های پتروشیمی و از سوی دیگر، ناشی از اظهارنامه‌های خلاف واقع صادرکنندگان در مورد ارزش صادرات برای گرفتن جوائز صادراتی است. در واقع، ده قلم عمده از اقلام صادراتی کشور شامل کالاهای پایه نفتی و مشتقات آن است که در صورت افزایش قیمت‌های آنها رقم صادرات غیرنفتی کشور هم افزایش می‌یابد. بسیاری از صاحب‌نظران کشور بر این باورند که اگر رقم صادرات میعانات گازی و پتروشیمی را از رقم کل صادرات غیرنفتی حذف کنیم، رشد صادرات غیرنفتی کشور صفر خواهد شد.

* این آمارها مربوط به ده‌ماهه نخست سال ۱۳۸۷ هستند.

رونق بخش نفت، بخش صنعت هم تا حدودی رشد^۱ و آثار بیماری هلندی را خفیفتر می‌کند. (۲۴)

نکته دیگری که لازم به ذکر است، آنکه اثر جابه‌جایی عوامل تولید در ایران چندان مهم نیست. علت آن است که شاغلان بخش نفت در ایران اندک و قابلیت تحرک نیروی کار در کشور به طور کلی کم است. افزون بر این، در بخش نفت کشور سرمایه‌گذاری کافی برای افزایش تولید صورت نگرفته و میزان تولید این بخش در سال‌های اخیر کم و بیش ثابت بوده است (۲۵)، و گرنه تقاضای جمعیت فعال کشور برای اشتغال در بخش نفت بیش از سایر بخش‌ها بوده و بسیار بالاست.

۵. راهبردهای ممکن در مدیریت درآمدهای نفتی

وفور منابع طبیعی در هر کشوری موهبت محسوب می‌شود نه بلا. آنچه موجب می‌شود منابع طبیعی به مثابه آفت یا بلا عمل کنند، نحوه استفاده از درآمدهای ارزی حاصل از فروش و صادرات آنهاست. هرچند شواهد غیرقابل انکاری در مورد اثرات مخرب درآمدهای حاصل از صدور نفت خام، به ویژه در کشورهای در حال توسعه وجود دارد، اما کشورهایی نظیر نروژ وجود دارند که با بهره‌گیری خردمندانه از این موهبت توانسته‌اند از دستاوردهای مثبت آن بهره‌مند شوند.^۲ بنابراین، نحوه برخورد با درآمدهای ارزی حاصل از صدور نفت خام است که می‌تواند در ظهور و بروز بیماری هلندی مؤثر باشد. در این خصوص لازم است سیاست‌هایی اتخاذ و تدابیری اندیشیده شود که از انتقال افزایش تقاضای کل ناشی از رونق قیمت نفت به بازار کالاها و خدمات جلوگیری کند. عمده‌ترین تدابیر و راهبردهایی که می‌توان در این مورد اتخاذ و ارائه کرد عبارتند از:

۱. بر اساس آمارهای مرکز آمار ایران نرخ رشد ارزش افزوده صنعت طی سال‌های ۸۶ - ۱۳۸۱ به ترتیب برابر ۱۱، ۱۴/۱، ۹، ۷/۱، ۵/۵ و ۸/۴ درصد بوده است.

۲. در این زمینه بنگرید: کارل، تری لین، *معمای فراوانی؛ رونق‌های نفتی و دولت‌های نفتی*، ترجمه جعفر خیرخواهان، نشر نی، ۱۳۸۸.

۱. ایجاد حساب یا صندوق ذخیره ارزی که از ابتدای برنامه سوم در ایران دنبال شده است. بر اساس سیاست‌های کلی برنامه پنجم، حساب ذخیره ارزی از سال ۱۳۸۹ به صندوق توسعه ملی تغییر نام پیدا خواهد کرد. بر اساس مفاد این صندوق، دولت موظف است سالیانه ۲۰ درصد از درآمدهای ارزی حاصل از فروش و صادرات نفت خام را به صندوق واریز کند و وجوه آن صرف پرداخت تسهیلات به بخش‌های غیردولتی (خصوصی، تعاونی و نهادهای عمومی و غیردولتی) شود.

۲. صرف درآمدهای ارزی نفت برای طرح‌های تولیدی دارای توجیه فنی، اقتصادی و زیست‌محیطی. قاعده بهینه مصرف در این خصوص این است که الف) نسبتی از درآمدها به گونه‌ای هزینه شود که ثروت بین نسلی سرانه نفت در درازمدت ثابت باشد، ب) رفتار مالی دولت نباید ثبات اقتصاد کلان را دچار اختلال کند و ج) ظرفیت جذب این درآمدها توسط اقتصاد مورد ملاحظه قرار گیرد. (۲۶)

۳. سرمایه‌گذاری درآمدهای نفتی در کشورهای دیگر (به صورت خرید سهام و اوراق بهادار) و استفاده از سود حاصل از این سرمایه‌گذاری‌ها (کاری که نروژ انجام می‌دهد). این راهبرد مبتنی بر این اندیشه است که نفت ثروت بین نسلی و همچون درخت است که باید از ثمرات و میوه‌های آن استفاده کرد و نه از خود درخت.

۴. توزیع دلارهای نفتی در میان همه افراد و گرفتن مالیات از آنها. در این راهبرد، دلارهای نفتی به جای واریز به خزانه دولت، به طور مساوی میان افراد تقسیم می‌شوند و سپس دولت بر آنها مالیات وضع می‌کند. طرفداران این راهبرد استدلال می‌کنند که این راهبرد متضمن دو پیامد یا اثر مثبت برای اقتصاد است. اولی اثر تخصیص و دیگری اثر اطلاعاتی مالیات‌ستانی است. اثر تخصیص، مردم را وادار می‌سازد فشار بیشتری به دولت بر سر پایبندی به اصول حکمرانی خوب بیاورند، چرا که هزینه‌های تخصیص‌یافته را مانند پولی می‌دانند که از جیب خودشان رفته است. اثر اطلاعاتی نیز مردم را مجبور می‌کند نسبت به اهمیت جریان‌های درآمدی و توانایی دولت در بهبود شرایط زندگی‌شان آگاه‌تر باشند. (۲۷) هر دوی این پیامدها موجب می‌شود مردم به دولت فشار بیاورند تا بسترهای لازم برای حکمرانی خوب و افزایش رشد اقتصادی و درآمد سرانه را فراهم کند.

نتیجه گیری

موضوع نفت و نحوه استفاده از درآمدهای ارزی حاصل از صدور آن، همواره مورد بحث اقتصاددانان و متخصصان امر بوده است. به طور کلی، دو رویکرد به نفت و درآمدهای ارزی حاصل از صدور آن وجود دارد. رویکرد نخست با استناد به عملکرد اقتصادی و سیاسی ضعیف و نامطلوب کشورهای برخوردار از منابع غنی نفت، نفت را به مثابه بلا و پدیده شوم می‌نگردد که اثرات مخربی بر اقتصاد و سیاست کشورهای بهره‌مند از آن خواهد داشت. رویکرد دوم نیز با استناد به عملکرد اقتصادی کشورهایی همچون نروژ و نیز با بررسی و مقایسه ساختارهای سیاسی و اقتصادی کشورها و کیفیت نهادهای آنها، نفت را به عنوان موهبت می‌بیند که در صورت استفاده درست از درآمدهای ارزی حاصل از صدور آن و همچنین، ایجاد و تقویت نهادهای مربوطه، می‌توان از دستاوردهای مثبت این موهبت بهره‌مند شد.

بنابراین، نحوه برخورد با درآمدهای ارزی حاصل از صدور نفت خام و همچنین، کیفیت نهادها و ساختار اقتصادی و سیاسی هر کشور است که می‌تواند در ظهور و بروز بیماری هلندی مؤثر باشند.

در ایران نیز نحوه درست استفاده از درآمدهای ارزی حاصل از صدور نفت خام همواره مورد بحث و چالش اقتصاددانان و دولت‌مردان بوده است. اکثر اقتصاددانان و متخصصان امر بر این باورند که نحوه برخورد دولت‌های وقت با نفت و درآمدهای حاصل از آن به گونه‌ای بوده است که این موهبت را به میزان زیادی از کارکرد توسعه‌ای دور کرده و با دامن‌زدن به بیماری هلندی، آثار سوئی بر اقتصاد و ساختار حکومت در کشور داشته‌اند. از طرف دیگر، دولت‌مردان با بی‌اعتنایی به ظهور و بروز بیماری هلندی، به تزریق بی‌رویه درآمدهای ارزی حاصل از صدور نفت خام کشور به اقتصاد داخلی از طریق تأمین کسری‌های بودجه مازاد، پرداخت یارانه‌ها و سرمایه‌گذاری‌های دولتی نموده‌اند. در این میان، حتی برخی دولت‌ها با استناد ناقص به شواهدی مخدوش، ضمن رد حادث‌شدن بیماری هلندی در اقتصاد ایران، اقدام به تزریق و هزینه‌کردن دلارهای نفتی کرده‌اند.

در این مقاله نیز با استناد به برخی شواهد و نشانه‌های بیماری هلندی، استدلال شد که اقتصاد ایران نیز با این پدیده دست به گریبان بوده است. هرچند تشخیص و تأیید اینکه بیماری هلندی در اقتصاد کشور وجود دارد یا اینکه حادث نشده، کار ساده‌ای نیست، اما با استفاده درست از دلارهای نفتی و رعایت قواعد بهینه مصرف آنها نه تنها می‌توان از ظهور و بروز پدیده بیماری هلندی جلوگیری کرد، بلکه مردم را از اثرات رفاهی موهبت نفت بیشتر بهره‌مند ساخت.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

یادداشت‌ها

۱. در این زمینه بنگرید:

کارل، تری لین، *معمای فراوانی؛ رونق‌های نفتی و دولت‌های نفتی*، ترجمه جعفر خیرخواهان، انتشارات نی، ۱۳۸۸.

- Robinson, James A. & Torvik, Ragnar and Verdier (2006), "Political Foundations of Resource Curse", *Journal of Development Economics*, 79, 447-468.

- Sachs, Jeffery D. and Warner, Andrew (1995). Natural Resource Abundance and Economic Growth. Harvard Institute for International Development, *Development Discussion Paper*, No. 517

- Sachs, Jeffery D. and Warner, Andrew (1999), "The Big push, Natural Resource Booms and Growth", *Journal of Development Economics*, 59, 43- 76.

2. Sachs, Jeffery D. and Warner, Andrew (1995). Ibid.

3. Ibid.

۴. در این زمینه بنگرید:

- Ross, Michael L. (1999), "The political Economy of the Resource Curse", *World Politics*, 51, 297-322.

- Ross, Michael L. (2001), "Does Oil Hinder Democracy?", *World Politics*, 53, 122-162.

5. The Dutch Disease. *The Economist*, November 26, 1977, pp. 82 – 83.

6. De Silva, K. Migara O. (1994), *The Political Economy of Windfall: The Dutch Disease (Theory and Evidence)*, Center in Political Economy. Washington University.

7. Barder, Owen (2006), "A Policymakers Guide to Dutch Disease. Center for Global Development", Working Paper No 91. available at www.cgdev.org

8. Gylfason, Thorvaldur (2001), "Lessons from the Dutch Disease: Causes, Treatment and Cures", Faculty of Economics and Business Administration, University of Iceland.

9. Mc Mahon, G. (1997), "The Natural Resource Curse: Myth or Reality?", Economic Development Institute, the World Bank, Washington, D.C.

10. Powell, Bill (2008), "Curing the Dutch Disease", Time Magazine, vol. 171, No.12

۱۱. برای مثال بنگرید:

Mckinley, Terry (2005), "Why is the Dutch Disease always a Disease?", The Macroeconomic Consequences of Scaling up ODA. *UNDP Working paper*, No. 10, International Poverty Center, Newyork.

۱۲. خلعت بری، فیروزه (۱۳۸۷)، «پیچیدگی روش‌های بررسی بیماری هلندی و ضرورت اجتناب از تصمیمات

غیرکارشناسی»، *بولتن دفتر مطالعات برنامه و بودجه*. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی

۱۳. زنوز، بهروز هادی (۱۳۸۷)، «روش‌شناسی و چارچوب نحوه بررسی وجود بیماری هلندی در اقتصاد ایران»، *بولتن دفتر مطالعات برنامه و بودجه*. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
14. Stijns, Jean- philippe (2002), "An Emprical Test of Dutch Disease Hypothesis Using Gravity Model of Trad. University of California at Berkeley", *Department of Economics*.
15. Barder, Owen (2006). Ibid.
16. Ibid.
۱۷. قبادی، فرخ، «پیامدهای بیماری هلندی در اقتصاد ایران»، *روزنامه دنیای اقتصاد*، ۸۷/۱/۲۵.
۱۸. صمیمی، احمد (۱۳۸۶)، «نگاهی دیگر به اقتصاد ایران و بیماری هلندی»، سایت رستاک (www.rastak.com)، ۱۴ اسفند ۸۶.
۱۹. طبیبیان، محمد (۱۳۸۷)، «نفرین نفت یا سوءاستفاده از منابع»، سایت رستاک (www.rastak.com)، ۲۹ اردیبهشت ۱۳۸۷.
۲۰. همان
۲۱. جوادی، شاهین (۱۳۸۷)، «علائم وجود بیماری هلندی و ضرورت انضباط مالی»، *گزارش دفتر مطالعات برنامه و بودجه*. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
۲۲. قبادی، فرخ (۱۳۸۷)، پیشین
۲۳. *ماهنامه اقتصاد ایران*، اقتصاد ایران در یک نگاه. آبان ماه ۱۳۸۸، شماره ۱۲۹.
۲۴. زنوز، بهروز هادی (۱۳۸۷)، پیشین.
۲۵. همان
۲۶. همان
۲۷. سندبو، مارتین (۱۳۸۷)، «دفاع از تقسیم دلارهای نفتی»، ترجمه محمد امین صادقزاده و محمد صادق الحسینی، سایت رستاک (www.rastak.com)، ۲ آذر ۱۳۸۷.